

تحلیل نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد قرآنی

فاطمه جاویدان^۱

محمدصادق دهقان

احسان شمسی گوشکی

محمود عباسی

چکیده

مقدمه: مساله "رشد اخلاقی" در طول قرن‌ها از مهمترین مسایل اجتماعی مورد توجه بوده است. قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب راهنمای بشر دربردارنده بحث‌های عمیق اخلاقی است. مسائل اخلاقی در زمان ما اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه نظریه‌پردازان مختلفی هریک بنابر زمینه ایدئولوژیکی و فرهنگی، در این زمینه نظریه‌پردازی نموده‌اند و اکثریت آنها نتوانسته‌اند از زندگی عرفی انسان فراتر رفته و بنیان‌های روحانی و عقلانی و انگیزشی در اخلاق را که ریشه در خلقت الهی و فطرت آدمی دارد، مورد توجه قرار دهند. مطالعه و بررسی رشد اخلاقی از دیدگاه اسلامی و مبتنی برقرآن کریم نیازمند بررسی گسترده و از ابعاد مختلف می‌باشد. در این مطالعه سعی شده است به‌عنوان مقدمه و ورود در این مبحث عظیم، نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد قرآنی مورد بررسی قرار گیرد.

روش کار: این مطالعه از نوع مطالعات مروری است که با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است و منابع مرتبط با موضوع استخراج گردیده و مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: از دید قرآن، انسان در طول زندگی از مراحل با ویژگی‌های مخصوص آن مرحله می‌گذرد و این دیدگاه در نظریه رشد شناختی و اخلاقی روان‌شناسان معاصر از جمله پیاژه و کولبرگ نیز مطرح شده است. از منظر کولبرگ مراحل رشد اخلاقی ثابت و

۱. دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. کارشناس معاونت آموزشی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: drfjavidan@sbmu.ac.ir

بدون تغییر هستند و استدلال و داوری‌های اخلاقی با جنبه‌های شناختی ارتباط دارد. اما از نظر اسلام قوانین و احکام اخلاقی مطلق و واقعی هستند و از این رو در برخی موارد نظریات روان‌شناسان غربی کاملاً متفاوت و حتی متضاد با رویکرد اسلامی است. از جمله اینکه روان‌شناسان غربی، به تمامیت رشد اخلاقی انسان کم‌تر توجه دارند و یا چنان متمرکز بر سطوح پایین تحول اخلاق آدمی هستند که سطوح متعالی روحانی و عقلانی در اخلاق را نادیده می‌گیرند.

نتیجه‌گیری: مهمترین انتقاد به نظریه رشد اخلاقی کولبرگ این است که تا حدی ماهیت چندبعدی حوزه اخلاق را نادیده گرفته است و دچار محدودیت‌ها و ضعف‌های نظری است. اتکاء به نظریه‌های روان‌شناسی و ابزارهای تهیه شده برای سنجش رشد اخلاق در غرب، با فرهنگ دینی و ملی ما کاملاً تطابق ندارد. هرچند در زمینه مباحث رشد اخلاقی از دیدگاه قرآن، کتب ارزشمندی در منابع شیعی یافت می‌شود، اما مطالعات کمی در زمینه بررسی و نقد نظریه‌های نشأت گرفته از ذهن روان‌شناسان غربی با رویکرد قرآنی یا اسلامی انجام شده است. بنابراین لازم است که دانشمندان ایرانی به تولید دانش‌های مبتنی بر بنیادهای دینی و حکمت و فرهنگ اسلامی - ایرانی روی آورند.

واژگان کلیدی

رشد اخلاقی، کولبرگ، قرآن، قضاوت اخلاقی، رفتار اخلاقی

تحلیل نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد قرآنی

بحث‌های اخلاقی از زمان پیدایش انسان وجود داشته است. براساس اعتقادات اسلامی حضرت آدم^(ع) فرزندانش را با دستورهای اخلاقی آشنا ساخت و خداوند از همان زمانی که او را آفرید و ساکن بهشت ساخت مسائل اخلاقی را با اوامر و نواهی‌اش به او آموخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۹). کلمه "اخلاق" جمع "خُلُق" بر وزن "قُفْل" و "خُلُق" بر وزن "أُفُق" می‌باشد. این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می‌گردند. بنابراین می‌توان گفت "اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است". به گفته برخی دانشمندان "به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می‌شود اخلاق گفته می‌شود" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴). قرآن کریم، مباحث متنوع و گسترده‌ای درباره اخلاق دارد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره‌المعارف قرآن، ۱۳۸۳، ج ۲) در اصطلاح مکرراً "اخلاق" معادل "Ethics" ترجمه می‌شود. کلمه "اخلاق" در قرآن وجود ندارد و کلمات کمی بر لغت شناسی فنی "Ethics" اشاره دارند (رینهارت، ۲۰۰۲، ص ۷۹-۵۵). هر چند در قرآن کریم، واژه اخلاق و نیز خُلُق به کار نرفته است؛ اما واژه «خُلُق» دو بار ذکر شده است: اول در مورد پیامبر^(ص)، خداوند می‌فرماید: «و اینکه تو ملکات اخلاقی بس بزرگی داری که بر آن مسلطی»^۱. دوم مخاطبان حضرت هود^(ع) در پاسخ به دعوت‌های مکرر او به اخلاق پسندیده عقلی و شرعی، گفتند: «چه تو ما را موعظه کنی و چه از وعظ و تبلیغ ما دست برداری، ما ایمان نخواهیم آورد» (شعراء/۲۶، ۱۳۶).^۲

گرچه واژه خُلُق در همین دو آیه به کار رفته است؛ ولی بسیاری از آیات قرآن کریم با مسائل اخلاقی ارتباط دارد؛ زیرا از طرفی پیامبر اسلام^(ص) فرموده است: «من برای تمام و کامل کردن مکارم اخلاق به پیغمبری مبعوث شدم»^۳ و از سوی

دیگر، قرآن نیز سند بعثت است؛ بنابراین، باید ضمن معرفی مکارم اخلاقی چگونگی آراستگی به آنها را هم بیان کند. ازجمله آیات مرتبط با مقوله اخلاق، آیات مشتمل بر واژه‌هایی است که با اخلاق، پیوند مفهومی دارند؛ مانند واژه‌های: دسّ و تزکیه (شمس/۹۱، ۹)، سعادت و شقاوت (هود/۱۱، ۱۰۵؛ شمس/۹۱، ۹-۱۰)، اصلاح و افساد (انفال/۸، ۱؛ شعراء/۲۶، ۱۸۱) و هدایت و ضلالت (تغابن/۶۴، ۶) و نیز آیاتی که به مرتبطات مصداقی اخلاق پرداخته و به خلق یا عمل خاصی اشاره کرده و برای مثال از قبیح سرقت (مائده/۵، ۳۳)، ربا (بقره/۲، ۲۷۵) و قتل (مائده/۵، ۲۹) یا حسن انفاق (نحل/۱۶، ۷۵؛ آل عمران/۳، ۹۲) و صدق و راستی (مریم/۴۱، ۱۹) سخن رانده است. علاوه بر این، عمده آیاتی که از خداوند، عالم ملکوت، انسان و عالم طبیعت، وحی و رسالت و معاد سخن می‌گوید، با اخلاق نیز مرتبط است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۳۹). گاهی کلمات "Ethics" و "Moral" در ترجمه معادل یکدیگر و به معنای اخلاق به کار می‌روند (رینهارت، ۲۰۰۲ م، ص ۷۹-۵۵). در فرهنگ لغت Ethics مترادف با "علم اخلاق" و "اخلاقیات" و واژه Moral به معنای "اخلاقی" و Morality به معنای "اخلاق" بکار رفته است (ثقه الاسلام، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۵۵-۱۴۱). در مکتب روان‌کاوی، اخلاق معادل است با "فراخود" یا "وجدان" و عبارت است از احساس گناه در برابر تخلف از اصول و احساس سرزنش و بازخواست درونی در برابر ارتکاب عمل خطا. "وجدان" در این معنی یک نیروی بازدارنده و هدایت‌کننده قوی است که در ضمیر شخص جای گرفته و بر رفتار او حاکم است (کریمی، ۱۳۷۵ ش).

"علم اخلاق" عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰ ش، ص ۵۵۸). امروزه "علم اخلاق" یک حوزه "بین‌رشته‌ای" محسوب می‌شود که به رشته‌های فلسفه و روان‌شناسی نیز ارتباط دارد. از دیدگاه

فلسفه توجیهات منطقی برای اخلاقی یا غیراخلاقی دانستن رفتار ارایه می‌شود ولی از دیدگاه روان‌شناسی به این پرسش پاسخ داده می‌شود که چرا رفتار افراد، اخلاقی یا غیراخلاقی است (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲۲-۱۰۱).

"رشد اخلاقی" در طول قرن‌ها از مهمترین مسایل اجتماعی مورد توجه بوده‌است. نظریه پردازان بزرگ اوایل قرن بیستم، اخلاق را وسیله‌ای برای "رشد اجتماعی" به حساب آورده‌اند. لذا "رشد اخلاقی" از مسایل عمده روان‌شناسی اجتماعی است. یکی از کارهای مهم که در این زمینه انجام شده تحقیقات پیازه است، وی کتابی با عنوان «داوری‌های اخلاقی کودکان» را در سال ۱۹۳۲م. منتشر کرد. یکی دیگر از روان‌شناسان معروف به نام لورنس کلبِرگ از سال ۱۹۴۸ تا اواخر قرن بیستم در این زمینه مطالعات گسترده‌ای انجام داده است (سیف، کدیور، همکاران، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۲۴).

مسأله "رشد اخلاقی" در اکثر آثار روان‌شناسی با دو مقوله "رشد اجتماعی" (یعنی چگونگی ارتباط با دیگران) و "رشدشناختی" (چگونگی قضاوت درباره رفتار خود و دیگران) مرتبط شده است. مطابق این دیدگاه‌ها دو مقوله "رشد اخلاقی" و "رشد اجتماعی" در ارتباط با یکدیگرند و روان‌شناسان معمولاً این دو مقوله را در یک مجموعه واحد مورد بررسی قرار داده‌اند. از این دیدگاه، همراه با رشد شناخت خود و هویت خود، فرد به تدریج تصویری از خویش در میان دیگران و در ارتباط با دیگران پیدا می‌کند که این تصور یکی از پایه‌های شکل دهنده مناسبات اجتماعی و اخلاقی او با دیگران است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۰۴-۷۶) (ستروک، ۲۰۰۱ م). مطابق تعریفی که در روان‌شناسی معمول است، "رشد اخلاقی" حاکی از جریان دستیابی به احساس عدالت در رابطه با دیگران، درستی و یا نادرستی این یا آن امر، و چگونگی رفتار فرد در هر یک از این امور است. در

این تعریف، آن گونه که روان‌شناسانی چون پیاژه و کولبرگ می‌گویند، رشد اخلاقی به معنای تغییر در چگونگی استدلال کودکان در امور اخلاقی، نگرش آنان نسبت به قانون‌شکنی و رفتار آنان در مواجهه با مسائل اخلاقی است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۰۴-۷۶) (گروسک، کوزینسکی، ۱۹۹۷ م.).

نظریه رشد اخلاقی لارنس کولبرگ

آن دسته از روان‌شناسان که به تحولات مرحله‌ای در رشد آدمی معتقدند رویکردهایی را درباره تحول اخلاقی مطرح ساخته‌اند. ژان پیاژه در شمار اولین روان‌شناسانی است که چگونگی رشد اخلاقی را مورد پژوهش قرار داده است (شافر، ۱۹۹۶ م، ص ۵۷۳-۵۷۲). او می‌گوید که رشد اخلاقی، همانند رشد شناختی، طی مراحل صورت می‌گیرد (پیاژه، ۱۹۳۲ م.). در اولین مرحله که سنین ۴ تا ۷ سالگی را در برمی‌گیرد، فرد تصور می‌کند که قواعد اخلاقی ثابت و تغییرناپذیرند. در این مرحله کودکان فقط به یک صورت بازی می‌کنند، و هر چند هنوز مفهوم درستی از قواعد بازی ندارند، گمان می‌کنند هر نوع دیگری از بازی کردن نادرست است. اخلاق ناهمخوان یا نشأت گرفته از خارج بعداً به صورت دو مرحله متوالی اخلاقی دیگر بروز می‌کند: "همکاری اولیه" و "همکاری خودمختارانه". در مرحله اخلاق مبتنی بر همکاری اولیه با دیگران، که در سنین ۷ تا ۱۰ سالگی نمود می‌کند، بازی کودکان حالت اجتماعی به خود می‌گیرد و آنان قواعد بازی‌ها را فرا می‌گیرند و براساس دانش خود درباره این قواعد بازی می‌کنند. در مرحله اخلاق نشأت گرفته از درون یا اخلاق مبتنی بر همکاری خودمختارانه که در حدود ۱۰ سالگی آغاز می‌شود، کودکان می‌فهمند که قواعد رسمی بازی را با موافقت اعضای گروه می‌توان تغییر داد. و قواعد و قوانینی که بین مردم رواج

دارد قابل تغییر است. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش.، ص ۷۶-۱۰۴) (پیاژه، ۱۹۳۲ م.) (کرین، ۱۹۸۵ م.، ص ۱۳۶-۱۱۸).

کولبرگ، با اصلاح و توسعه کار پیاژه، نظریه جدیدی ارائه کرد که به توصیف "رشد استدلال اخلاقی" می‌پردازد. پیاژه یک فرآیند دو مرحله‌ای را برای "رشد اخلاقی" تشریح کرد در حالی که "نظریه رشد اخلاقی کولبرگ"، شش مرحله در داخل سه سطح مختلف را دربر می‌گیرد. از نظر کولبرگ "رشد اخلاقی" یک فرآیند مداوم است که در سراسر دوره عمر اتفاق می‌افتد. کولبرگ مانند پیاژه، معتقد است که رشد اخلاقی اساساً نشأت گرفته از استدلال اخلاقی است که در طی مراحل مختلفی (از کودکی تا نوجوانی) شکل می‌گیرد. او در طی سال‌ها تحقیق و آزمون و مصاحبه و طراحی و ارایه یازده داستان حاوی معماهای اخلاق به کودکان و نوجوانان و طرح چند سؤال درباره هر یک از داستان‌ها نظریه خود را مطرح نمود (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش.، ص ۷۶-۱۰۴) (کولبرگ، ۱۹۵۸ م. و ۱۹۶۹ م.) (کولبرگ، گیلیکان، ۱۹۷۱ م.) (کولبرگ، ۱۹۷۶ م.، ۱۹۸۱ م. و ۱۹۸۶ م.).

کولبرگ به پاسخ سئوالات در مورد این که کار درستی انجام شده است یا خیر، زیاد علاقه‌مند نبود بلکه آنچه برای او جالب بود «استدلال‌هایی» بود که در پشت تصمیمات شرکت‌کنندگان در این نظرخواهی قرار داشت. کولبرگ پاسخ‌های دریافت شده را در قالب مراحل مختلف استدلال، رده‌بندی کرد و رشد استدلال عدالت را به عنوان گسترش فزاینده دیدگاهی اجتماعی اخلاقی در سه سطح رشدی توصیف نمود. در هر سطح دو مرحله وجود دارد که دومین مرحله از لحاظ بروز دیدگاه اجتماعی اخلاقی، کامل‌تر از مرحله اول است (کیلن، اسمتنا، ج ۱، ۱۳۸۹ ش.، ص ۱۴۸).

سطح ۱- اخلاق پیش‌قراردادی

مرحله ۱: اطاعت و تنبیه؛ در این مرحله، بچه‌ها قوانین را ثابت و مطلق می‌انگارند. اطاعت از قوانین بسیار مهم است زیرا باعث جلوگیری از تنبیه می‌شود.

مرحله ۲: فردگرایی و مبادله؛ در این مرحله، نقطه نظرات فردی و قضاوت بچه‌ها بر پایه چگونگی برآورده ساختن نیازهای فردی قرار دارد.

سطح ۲- اخلاق قراردادی

مرحله ۳: روابط میان فردی؛ این مرحله بر زندگی مطابق نقش‌ها و انتظارات اجتماعی تمرکز دارد. هم‌رنگی با جماعت، «خوب» جلوه گر شدن و ملاحظه تأثیر تصمیمات بر روابط، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

مرحله ۴: حفظ مرتبه اجتماعی؛ در این مرحله از رشد اخلاقی، انسان‌ها به هنگام قضاوت کردن جامعه را به صورت کلی در نظر می‌گیرند. تمرکز اصلی بر حفظ قانون، پیروی از مقررات، انجام وظیفه و احترام به مافوق است.

سطح ۳- اخلاق پس‌قراردادی

مرحله ۵: قراردادهای اجتماعی و حقوق فردی؛ در این مرحله، انسان‌ها شروع به در نظر گرفتن ارزش‌ها، عقاید و باورهای متفاوت سایر مردم می‌کنند. قوانین برای حفظ یک جامعه اهمیت دارند اما افراد جامعه باید این استانداردها و چارچوب‌ها را قبول داشته باشند.

مرحله ۶: اصول همگانی؛ آخرین سطح از استدلال اخلاقی کولبرگ بر پایه اصول اخلاقی همگانی و استدلال انتزاعی قرار دارد. در این مرحله، انسان‌ها از این اصول که ملکه ذهنشان شده است پیروی می‌کنند، حتی اگر با قوانین و مقررات

تناقض داشته باشند (کولبرگ، ۱۹۷۷م.).

کولبرگ معتقد است که این سطوح و مراحل در قضاوت اخلاقی به ترتیب و به تدریج که سن فرد بالا می‌رود در او شکل می‌گیرد. استدلال کودک در معماهای اخلاقی، قبل از ۹ سالگی، در سطح اول (یعنی در سطح اخلاق پیش‌قراردادی) است. در اوائل نوجوانی این استدلال‌ها عموماً در سطح دوم است و گاهی بین مرحله دوم و چهارم نوسان می‌کند. در نیمه دوم نوجوانی گروهی از نوجوانان به مرحله چهارم می‌رسند و روی هم‌رفته، فقط اقلیتی از افراد هستند که در دوره جوانی و بزرگسالی به سطح اخلاق فوق قراردادی (آنها صرفاً تا مرحله پنجم) دست می‌یابند.

کودک در سطح پیش قراردادی، اغلب رفتار خوبی دارد، این رفتار اخلاقی کودک براساس اجتناب از تنبیه و کسب پاداش تبیین می‌شود. او در این سطح از تفکر اخلاقی، نسبت به داورهای اخلاقی خوب و بد محیط حساس است، به سادگی می‌توان رفتار کودک را مطابق پیامدهای مادی آن رفتار یا برحسب قدرت کسانی که قانون را برای او می‌سازند "معمولاً پدر و مادر" تفسیر کرد.

اما رفتار اخلاقی کودک در سطح قراردادی، برای سازگاری و هماهنگی با نظم اجتماعی و تمایل برای حفظ نگهداری این نظم است. کودک در این دوره با والدین خود همانندسازی می‌کند و خود را با آنچه که به عنوان درست و غلط ارائه می‌دهند، تطبیق می‌دهد. در سطح فوق قراردادی استدلال‌ها و قضاوت‌های افراد درونی شده و رفتار اخلاقی به وسیله یک اصل اخلاقی درونی شده هدایت می‌شود، در این مقطع اخلاق براساس اصولی جهانی و برتر از قراردادهای اجتماعی تجلی می‌کند، رفتار و برخوردهای اخلاقی براساس اصول اخلاق عمومی حل می‌شود و سرپیچی از آن برای فرد احساس گناه و محکومیت به وجود می‌آورد.

کولبرگ دریافت که یک فرد معمولاً از جهاتی در مرحله پایین تر قضاوت اخلاقی و از جهات دیگری در مرحله بالاتر قرار می گیرد و ممکن است برخی افراد، علیرغم افزایش سن خود، به مرحله پایین تری تنزل کنند. او همچنین به این نتیجه رسید که با رشد فرد از دوره کودکی به دوره نوجوانی استدلال اخلاقی وی از حالت کنترل بیرونی به حالت کنترل درونی شده تغییر پیدا می کند (لطف آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۰۴-۷۶).

کولبرگ به "رشد استدلال های اخلاقی" بیشتر از "رفتار اخلاقی" توجه می کرد. از نظر او کودک و بزرگسال ممکن است هر دو یک عمل اخلاقی را انجام دهند، در حالی که رشد اخلاقی آنها یکسان نباشد. در واقع از نظر کولبرگ آنچه در "عمل اخلاقی" باید "مهم" تلقی شود "نه خود عمل اخلاقی" بلکه "پشتوانه و زیربنای استدلال عمل اخلاقی" است (میرلو، ۱۳۸۷ ش).

دوران زندگی از دیدگاه قرآن کریم

انسان از منظر قرآن از دو بعد ساختمان مادی یعنی پیکر انسان و بعد فرا مادی یعنی حقیقت روح و اندیشه تشکیل شده است. این ابعاد در جهات مختلف منظم شکل گرفته اند تا انسان بتواند به همه خواسته های مادی و معنوی خود پاسخ گوید (حجازی، ۱۳۴۰، ص ۳۹). جنبه مادی انسان سرشت یا غریزه است و جنبه غیرمادی روح می باشد (صادقی، ۱۳۵۷، ص ۱۸۹). در اسلام رشد به صورت مراحل جداگانه سنی که هر مرحله، ویژگی های خاص داشته باشد، در نظر گرفته نمی شود، بلکه رشد یک فرآیند پیوسته در سراسر زندگی است (شیخ شعاعی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۷۶-۱۶۵). خداوند در قرآن می فرماید: خدا است که شما را از ضعف آفرید، سپس از پی ضعف، قوتی و از پی قوت، ضعف و پیری قرار داد. او آنچه می خواهد می آفریند

و او دانای تواناست^۴.

طبق این آیه سه دوران عمده در زندگی آدمی وجود دارد: ۱- دوران ضعف نخست (طفولیت)، ۲- دوران قوت (بلوغ و اوج بلوغ، اعتدال و اعتلا)، ۳- دوران ضعف نهایی (سال خوردگی و کهن سالی).

دوران طفولیت به دو "زیرمرحله فعالیت" (تولد تا ۷ سالگی) و "زیرمرحله حصول قابلیت تعلیم و تأدیب" (۷ تا ۱۰-۱۱ سالگی) تقسیم می‌شود. علت اختصاص عنوان فعالیت به زیرمرحله مذکور آن است که تحرک و فعالیت، غالب‌ترین جنبه هفت سال نخست زندگی است. از این رو در روایات توصیه شده است که کودک باید هفت سال بازی کند. زیرمرحله بعدی یعنی حصول قابلیت تعلیم و تأدیب از هفت سالگی شروع می‌شود. ویژگی این زیرمرحله تکلیف‌پذیری است و کودک به سبب آن، قابلیت پذیرش تکلیف تعلیمی و تأدیبی را می‌یابد. از این رو در روایات، شروع رسمی تعلیم و تأدیب، به فرا رسیدن هفت سالگی موکول شده است. پس از طفولیت، مرحله بلوغ و اوج آن فرا می‌رسد که اولین مرحله دوران قوت است و فرد به قابلیت کافی فکری و اجتماعی نایل می‌شود. پس از آن مرحله اعتدال و اعتلا فرا می‌رسد (باقری، ۱۳۸۰ ش.).

رشد اخلاقی در قرآن کریم

"رشد اخلاقی" از منظر اسلام معنای عمیق و گسترده و جایگاهی والا و ارزشمند دارد، "رشد و تربیت" از دیدگاه اسلام، "رشد و تربیت اخلاقی" است و هدف اسلام این است که انسان را به جایگاه اخلاقی و ارزشی او برساند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: من برای تمام و کامل کردن مکارم اخلاق به پیغمبری مبعوث شدم^۵.

فرق کارهای اخلاقی با کارهای دیگر این است که "کار اخلاقی" قابل ستایش و تحسین است و انسان برای آن، ارزش خاصی قائل است، این ارزش با مقیاس‌های مادی قابل سنجش نیست و در آنها نوعی قداست و ارزش وجود دارد و از روی طبع و غریزه انجام نمی‌گیرد و می‌توان گفت کار اخلاقی دارای "شرایطی" است: ۱. جزو کارهای طبیعی و عادی نیست. ۲. با اختیار و انتخاب برگزیده می‌شود. ۳. مبتنی بر فطرت است و انسان عاقل آن را انجام می‌دهد. ویژگی‌های "کار اخلاقی" در اسلام عبارتند از: با "قصد و نیت" انجام می‌شود^۶ (ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۶۶) و "خودکنترلی"^۷، "خداکنترلی"^۸، "کرامت دادن و عزیز شمردن نفس"^۹ و "محیط تربیتی"^{۱۰} (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۸۳-۳۶۸) در افعال اخلاقی نقش دارند.

اصول اخلاقی در قرآن

قرآن مجید یک کتاب کلاسیک نیست که فصول و ابواب و مباحثی به شکل این گونه کتاب‌ها داشته باشد، بلکه مجموعه‌ای از وحی آسمانی است که به تدریج و برحسب نیازها و ضرورت‌ها نازل شده است، ولی می‌توان آن را با استفاده از روش تفسیر موضوعی در چنین قالب‌هایی بررسی کرد. از تقسیم‌هایی که از مجموع آیات قرآن استفاده می‌شود این است که اصول اخلاق را می‌توان در چهار بخش خلاصه کرد: ۱- مسائل اخلاقی در ارتباط با خالق (مسأله شکرگزاری (شکر منعم) و خضوع در مقابل خداوند و رضا و تسلیم در برابر فرمان او و مانند این‌ها)، ۲- مسائل اخلاقی در ارتباط با خلق (تواضع و فروتنی، ایثار و فداکاری، محبت و حسن خلق، همدردی و همدلی) ۳- مسائل اخلاقی در ارتباط با خویشتن (پاکسازی قلب از هرگونه ناپاکی و آلودگی و مدارا با خویشتن در برابر تحمیل

و فشار بر خود و امثال آن) ۴- مسائل اخلاقی در ارتباط با جهان آفرینش و طبیعت (عدم اسراف و تبذیر و تخریب مواهب الهی و مانند آن) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۰۴-۱۰۵).

همچنین می‌توان اصول اخلاقی قرآن را در سه محور رده‌بندی کرد که شامل اخلاق فردی، اجتماعی و الهی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲).

اخلاق فردی: منظور از اخلاق فردی، اصولی است که صرف‌نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش‌های اخلاقی او می‌پردازد. ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲).

اخلاق اجتماعی: وقتی اخلاق به صورت مطلق به کار می‌رود، بیش‌تر به اخلاق اجتماعی منصرف است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش، ج ۳، ص ۲۳)، که به بیان اصول ارزشی حاکم بر روابط اجتماعی انسان می‌پردازد. مهم‌ترین اصل حاکم بر روابط اجتماعی، رعایت عدل و پرهیز از ستم است که مفاد آیات بسیاری در این زمینه است. ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، (ممتحنه/ ۶۰، ۸)، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷. درخصوص خانواده نیز که اجتماعی کوچک است، سفارش‌های اخلاقی مهمی در قرآن وجود دارد ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱. همچنین درباره وظایف جمعی امت اسلام، اصول مشخصی از قرآن قابل استفاده است، مانند: تأکید بر حفظ وحدت اجتماعی بر محور حق ۳۲، پیروی از زمامداران حق ۳۳، دوری از فساد و ترویج آن در جامعه ۳۴، آمادگی برای دفاع در برابر دشمنان خدا ۳۵ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲).

اخلاق الهی: اخلاق الهی (دینی) شامل ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با آفریدگار خویش است. از دیدگاه قرآن، انسان، آفریده خداوند است و نشان بندگی او را از همان آغاز وجودش دارد ۳۶، ۳۷. آیات بسیاری، انسان‌ها را به ایمان به خداوند، معاد، رسالت و دیگر امور غایی و الهی فرا می‌خوانند.

"توکل" که چیزی بیش از اصل ایمان و نشان اعتماد فوق‌العاده به مشیت الهی است،^{۳۸} عبادت و تعظیم شعایر دینی^{۳۹}، همچنین خشیت و خداترسی^{۴۰}، و محبت شدید به خدا از عناصر ارزشمند و فضیلت‌هایی است که در سایه ایمان به خدا برای انسان حاصل می‌شود.^{۴۱}

این فضیلت‌ها وجه تمایز اساسی "اخلاق‌های دینی" از "اخلاق‌های غیردینی" است، اخلاق‌های غیردینی حداکثر به کار سامان دادن زندگی این عالم می‌پردازند و به زندگی آخرتی راهی ندارد. اخلاق از دیدگاه قرآن حتی آن‌جا که به تنظیم رابطه انسان با خود یا جامعه می‌پردازد می‌تواند صبغه الهی و دینی داشته باشد و این به نیت خالص الهی در انجام آن‌ها مشروط است و هر چه نیت انسان خدایی‌تر باشد، پاداش آخرتی بیش‌تر است (حجرات/۴۹، ۱۳؛ ممتحنه/۶۰، ۸؛ بقره/۱۹۵، ۲؛ بقره/۲، ۲۰۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش. ج ۲).

قرآن و اخلاق تربیتی

مسأله "تربیت اخلاقی" در قرآن کریم مورد توجه و عنایت خاصی است و اصولاً نگرش قرآن به مقوله اخلاق چنان است که عناصر لازم برای "تربیت اخلاقی" را در متن خود دارد.

ایده سقراطی کافی بودن علم و معرفت اخلاقی برای انگیزش آدمی، مورد قبول قرآن کریم نیست؛ زیرا این امکان که انسان به رغم آگاهی خود، گرفتار سوءاخلاق و به جای عمل به دانسته‌هایش بر مرکب هوا و هوس سوار شود، پذیرفته شده است (جاثیه/۴۵، ۲۳) (علامه طباطبائی، المیزان، ۱۳۶۰ ش.، ج ۱۸، ص ۱۷۲). ازدیدگاه قرآن، انحراف انسان از جاده صواب به‌رغم آگاهی از آن، تابع میزان اثرپذیری نفس از اغوای شیطان است (اسراء/۱۷، ۵۳). همین نقش اغواگری شیطان

در آغاز زندگی انسان، سبب سقوط آدمی شد.^{۴۲}

وسوسه‌های شیطان در دل‌هایی که ایمان و توکل بر خداوند در آن جای گرفته است، کارساز نیست^{۴۳} و فقط در نفس و روحی که از پیش، زمینه‌های اغوا را دارد و برده و بنده شیطان است و در دام شرک افتاده، کارساز است^{۴۴} (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۰). پس "تربیت اخلاقی" در قرآن کریم، افزون بر "تعلیم اخلاقی" است و اساس آن توجه دادن به وجود اغواگران بیرونی و در کمین‌نشستگان بر سر راه هدایت انسان است که با عنوان شیطان یا شیاطین از آن‌ها یاد می‌شود و نیز توجه دادن به زمینه‌های پذیرش آن اغواها که هوس‌های بی‌منطق است.

یکی از اصول راهبردی قرآن کریم در تربیت اخلاقی، استفاده از روحیه "الگوپذیری" انسان است. آیات بسیاری به تصویرپردازی انسان‌های خوب مانند حضرت یوسف^(ع) و انسان‌های بد مانند قارون پرداخته‌اند تا از این طریق، حیات اخلاقی مثبت و منفی را به‌صورت محسوس و با ظرافت‌های تصمیم‌گیری اخلاقی در اختیار مخاطب قرار دهند.

یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن، ربط دادن ارزش‌های اخلاقی با تمایلات اساسی انسان است (زمر/۳۹، ۱۰). علامه طباطبایی، این شیوه را مشترک در همه ادیان ابراهیمی می‌داند، ولی معتقد است: در قرآن کریم، شیوه دیگری برای تربیت اخلاقی وجود دارد که از امتیازات آن است و آن این که تمایلات آدمی نیز در سایه شناخت جمال و جلال خداوند، چنان رنگ خدایی بگیرد که اصولاً به استفاده از عناصر تشویق و تنبیه حتی آخرتی نیازی نباشد (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰ ش، ص ۳۶۰-۳۵۵). تصویرسازی قرآن از واقعیت‌های عالم به گونه‌ای است که می‌تواند انسان‌های بیدار و اندیشه‌ور را چنان در جذبه عزت و قدرت الهی قرار دهد که

میل‌هایشان نیز مانند عقل‌هایشان با خواست الهی انطباق یابد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۸۳ ش، ج ۲).

مطالعه و بررسی رشد اخلاقی از دیدگاه اسلام و در رأس آن از دیدگاه قرآن کریم نیازمند بررسی گسترده و از ابعاد مختلف می‌باشد. در این مطالعه سعی شده است به عنوان مقدمه و ورود در این مبحث عظیم، نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد قرآنی مورد بررسی قرار گیرد.

روش کار

این مطالعه از نوع مطالعات مروری است که با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. ابتدا با مراجعه به پایگاه PubMed منابع انگلیسی در موضوع مبانی نظریه‌های رشد اخلاقی از دیدگاه کولبرگ و سپس مقالات مربوط به بحث و بررسی و نقد نظریه کولبرگ به صورت عام مورد جستجو قرار گرفت و مقالات مرتبط استخراج گردید. در مرحله بعدی مقالات با موضوع بررسی و یا نقد نظریه کولبرگ از دیدگاه و یا رویکرد اسلام و از دیدگاه یا رویکرد قرآن جستجو شد. با بررسی در منابع موجود در PubMed مقاله انگلیسی در این زمینه یافت نشد. در ادامه نشریات معتبر فارسی در موضوعات فوق مورد جستجو و بررسی قرار گرفت و مقالات مرتبط فارسی استخراج گردید. در ادامه برای تدوین بخش مبانی و تکمیل بررسی موضوعات اخلاقی از دیدگاه قرآن به منابع کتب شیعی فارسی که در این زمینه نگاشته شده بودند و یا مباحثی در این زمینه داشتند، مراجعه شد و در انتها کتب فارسی که در زمینه رشد اخلاقی به رشته تحریر در آمده و یا ترجمه شده بودند و مباحثی در زمینه نظریه رشد اخلاقی کولبرگ داشتند مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

از دید قرآن نیز انسان در طول زندگی از مراحل با ویژگی‌های مخصوص آن مرحله می‌گذرد و این موضوع در نظریه رشدشناختی و اخلاقی متخصصان معاصر از جمله پیازه و کولبرگ مطرح شده است و منظور از آن این است که در کار با کودک و نوجوان باید مرحله و شرایط خاص آن مرحله را در نظر داشت.

نقش دین در رشد اخلاقی از منظر قرآن

قرآن کریم مسئله اخلاق را جزو اهداف اصیل نبوت عام می‌شمارد و زندگی انسان‌ها را در سایه اخلاق، زندگی سعادت‌مند می‌شمرد و انسانی را که متخلق به اخلاق الهی نیست، خاسر و سرمایه‌باخته می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۳۹). قرآن راه‌های اخلاقی را از همان معارف اولی شروع و به رفتار، گفتار و نوشتار ختم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۴۴). انسان در بعد روحی و ملکوتی خود، استعدادهایی نهفته و قابل رشد و پرورش دارد که عمده‌ترین آنها عبارتند از: استعداد عقلانی، حس پرستش و خداجویی و گرایش‌های اخلاقی (سجادی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۱۷-۷۴).

یکی از کارکردهای دین در عرصه اخلاق، ارایه "معیار" برای اخلاق است. این معیارها شامل: اول؛ امر و نهی الهی به عنوان معیار در اخلاق و دوم؛ رضایت خداوند معیار ارزش‌های اخلاقی است. لذا ملاک ارزش‌های اخلاقی سعادت واقعی انسان‌ها است و سعادت واقعی انسان تقرب به خداوند و رضایت او است (کوشا، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۳-۴۴).

نقش‌گذاری و تأثیربخشی دین و تقید به دین در شکل و شیوه انگیزه‌سازی، ضمانت‌گری، تعالی‌بخشی، فیض‌رسانی و ارتقای نیت انسان در انجام افعال اخلاقی

می باشد (علاءالدین، ۱۳۸۹ش، ص ۶۹-۶۳).

دین دارای نقش مؤثر "انگیزه سازی" برای انجام، تکرار، تثبیت و رشد رفتار اخلاقی است. (حسینی، ۱۳۸۳ ش، ص ۴۰).^{۴۵} به کارگیری این شیوه قرآنی در نهاد خانواده توسط والدین موجب می گردد زمینه های تکرار، تثبیت و رشد افعال اخلاقی فراهم آید (علاءالدین، ۱۳۸۹ش، ص ۶۹-۶۳).

همچنین دین، "ضمانت گر" اجرا، تثبیت و رشد اخلاقی است. در آیات متعدد قرآن این تضمین گری برای انجام و استمرار و تثبیت و رشد فعل اخلاقی به تعدد به چشم می خورد^{۴۶} (مطهری، بیست گفتار، ۱۳۷۰ش). (علاءالدین، ۱۳۸۹ش، ص ۶۹-۶۳).

از سویی دین "عامل تثبیت، رشد و تعالی" اخلاق است. هر قدر انسان در پرتو دستورات و برنامه های انسان ساز قرآن کریم قرار گیرد و دایره ی خودی را گسترش دهد، اخلاق او اخلاق برتری خواهد بود. نتیجه دیگر این امر آن است که کارهای اخلاقی بیشتر و مفیدتری نیز می تواند انجام دهد^{۴۷} (مطهری، فلسفه اخلاق، ۱۳۷۲ش، ص ۱۹۵-۱۹۴). "تعالی اخلاق" همین جا شکل می گیرد، اینکه کسی بتواند حب و بغض های شخصی را کنار بگذارد و حتی در برابر کسانی که بیشترین ستم ها را به او کرده اند، از حد اعتدال خارج نشود و عدالت را بر آنها روا دارد^{۴۸} و این نشان دهنده ی بلندی روح است؛ روح بلندی که هر انسانی را خاضع و وادار به تحسین خواهد کرد.

دین سبب "توفیق سازی و فیض رسانی" عمل اخلاقی است. "باید و نبایدهای اخلاقی دین" همگی "فطری" هستند و چون فطری هستند با نظام داخلی انسان و ساختار درونی او هماهنگ هستند. لذا روح تعلیمات انبیاء درباره عمل اخلاقی ایجاد زمینه توفیق و بستر فیض برای شکوفایی اخلاق فطری است^{۴۹}، (زمر / ۲۸)،^{۵۰}. (علاءالدین، ۱۳۸۹ش، ص ۶۹-۶۳).

دین موجب "ارتقای سطح نیت" در انجام افعال اخلاقی است. دین با شکوفاسازی فطرت الهی و هویت بخشی انسان زمینه توفیق و فیض عمل اخلاقی را فراهم می‌کند. همچنین دین با ارتقای سطح نیت و قصد انسان در اعمال اخلاقی ضمن ارزشمند نمودن عمل اخلاقی، انسان را به بالاترین مقاصد که قرب الهی است راهنمایی می‌کند (علاءالدین، ۱۳۸۹ش، ص ۶۹-۶۳).

مفاهیم مهم در نظریه کولبرگ

کولبرگ مطالعه رشد اخلاقی را به یک فرآیند غالب روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی تربیتی تبدیل کرد و نظریه او احتمالاً هنوز هم شناخته‌شده‌ترین نظریه رشد اخلاقی است (کیلن، اسمتانا، ج ۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۷۰). در مراحل شش‌گانه کولبرگ آغاز قضاوت‌های اخلاقی، با عدم افتراق ارزش‌های اخلاقی از ارزش‌های مادی و نگرانی در مورد تنبیه (مرحله ۱، تنبیه و گرایش به فرمان‌برداری) و از علایق و نیازهای اشخاص (مرحله ۲، گرایش به فردگرایی، هدف‌ابزاری) همراه است. در نتیجه کولبرگ مدعی است که در کودکی اولیه و میانی، قضاوت‌های اخلاقی بر احترام به اقتدار، تقدس قواعد یا این فرض که قواعد همواره باید تبعیت شوند (ویژگی‌های دگر پیروی) مبتنی نیستند. تا زمان نوجوانی، اخلاق بر اساس نیاز به حفظ قواعد، اقتدار و نظام اجتماعی قراردادی (مرحله ۴، گرایش به حفظ قاعده و اقتدار) پایه‌گذاری نمی‌شود، بنابراین قضاوت‌های اخلاقی، بخشی از مفاهیم در حال ظهور نظام‌های اجتماعی و احترام به اقتدار و قوانین رسمی‌اند. تنها در اواخر نوجوانی و بزرگسالی است که قضاوت‌های اخلاقی در مورد بهروزی، عدالت و حقوق فردی از قواعد و قراردادهای نظام اجتماعی متمایز می‌شوند (مراحل ۵ و ۶ اخلاق مبتنی بر اصول) (کیلن، اسمتانا، ج ۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۰۶).

دو مفهوم اصلی در نظریه رشد اخلاقی کولبرگ وجود دارد. اول؛ از منظر کولبرگ "ترتیب و مراحل شش گانه رشد اخلاقی"، در فرهنگ‌های گوناگون، ثابت و بدون تغییر است. و در طول رشد اخلاقی هر فرد، هیچ کدام از این مراحل حذف نمی‌شود و در عین حال، جهش از مراحل پایین‌تر به مراحل نهایی نیز ممکن نیست. البته ممکن است رشد اخلاقی به خاطر تفاوت‌های فرهنگی و فردی، سریع یا کند شود، یا این که در فرهنگ‌ها و افراد مختلف، در رسیدن به بالاترین سطح یا مرحله رشد اخلاقی تفاوت وجود داشته باشد؛ ولی به گمان او، تفکر اخلاقی، "الگویی جهانی" دارد. این الگوی منظم جهانی با "عقیده مذهبی" ارتباطی ندارد. از نظر کولبرگ در رشد تفکر اخلاقی هیچ گونه تفاوتی میان هیچ یک از پیروان ادیان یا منکران وجود خدا نیست. همچنین به نظر او اگر فردی به سطح بالایی از رشد اخلاقی برسد (خصوصاً مرحله ششم) دیگر به مراحل قبلی باز نمی‌گردد. به طور کلی رشد اخلاقی، "پیشرفت به سوی مراحل بالاتر" است و در آن بازگشتی به مراحل قبلی وجود ندارد. از نظر او بیشتر افراد به مراحل بالاتر رشد اخلاقی نمی‌رسند. البته وی توجه دارد که عوامل فرهنگی و اقتصادی، هم در سرعت رشد اخلاقی و هم در سطح نهایی از رشد اخلاقی که فرد به آن می‌رسد، تأثیر می‌گذارد و افراد و فرهنگ‌ها از این نظر با هم متفاوتند.

دوم؛ از منظر کولبرگ استدلال و داوری‌های اخلاقی با جنبه‌های شناختی ارتباط دارد. کولبرگ می‌گوید که هدف اصلی از "تربیت اخلاقی" باید تحریک رشد طبیعی داوری‌ها و استعدادهای اخلاقی کودک باشد تا به او اجازه داده شود که از قضاوت‌های اخلاقی خودش برای کنترل و هدایت رفتارش، استفاده کند. او معتقد است که محیط‌های آموزشی باید در تربیت اخلاقی، نقش واضح نمودن "ارزش‌های اخلاقی" را ایفا کنند.

در حالی که پیازه نقش همسالان را در "رشد اخلاقی" مهم می‌داند، کولبرگ بر نقش تأثیرهای متقابل اجتماعی که دربرگیرنده فرصت‌هایی برای پذیرش نقش است، تأکید دارد. به نظر او معیارهای اخلاقی کودکان لزوماً از والدین یا همسالان ناشی نمی‌شود بلکه این معیارها از تأثیر متقابل رشد شناختی کودک با محیط اجتماعی ظاهر می‌شود و انتقال از یک مرحله رشد اخلاقی به مرحله بعد بیش از آن که دربردارنده کسب ساده مفاهیم اخلاقی رایج در فرهنگ عمومی مردم باشد، حاوی یک تشخیص شناختی درونی است.

کولبرگ "محیط اجتماعی" را شرط لازم برای رشد اخلاقی می‌داند؛ زیرا به عقیده او محیط اجتماعی فرصت‌های لازم را برای پذیرش نقش در کودکان به وجود می‌آورد و توانایی‌های پذیرش نقش را نیز اساس "داوری اخلاقی" می‌داند. اگرچه وی این نکته را مطرح می‌کند که والدین در رشد اخلاقی کودکان نقش قاطعی ندارند، ولی به نظر او آن ساختار شناختی که در نظم و انضباط پدر و مادر وجود دارد، هم در "داوری‌های اخلاقی" و هم در "رفتار اخلاقی" کودکان تأثیر می‌گذارد. به نظر کولبرگ بین "رفتار اخلاقی" و "داوری اخلاقی" کودکان لزوماً ارتباطی نیست؛ اما کولبرگ در مورد بزرگسالان می‌گوید برخی دلایل نشان می‌دهد که ارتباط نزدیکی بین داوری‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی آنها وجود دارد. (سیف و همکاران، ۱۳۷۷ش، ص ۱۲۲-۱۲۰).

در حالی که از نظر اسلام قوانین و احکام اخلاقی مطلق و واقعی می‌باشد، و اینکه مثلاً عدالت خوب است همیشه خوب است، و اینکه به هیچ انسانی نباید ظلم کرد، یک اصل کلی و واقعی و همیشگی می‌باشد (آقاتهرانی، ساجدی، بی‌ریا، زارعان، مصباح، رهنما، همکاران، ۱۳۹۰ش، ص ۱۱۰۴). اخلاق نسبی نیست تا به لحاظ زمین یا زمان خاصی دگرگون شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۹).

در مقابل روان‌شناسانی مانند پیاژه و کولبرگ این چنین قضایا را از قبیل اعتبارات اجتماعی دانسته‌اند که برخاسته از نیازهای مردم و احساسات درونی آنها است و با تغییر آنها تحول می‌پذیرد (آفاتهرانی، ساجدی، بی‌ریا، زارعان، مصباح و رهنما و همکاران، ۱۳۹۰ش، ص ۱۱۰۴).

اخلاق را نمی‌توان به معنای وضع قوانین برای یکایک موقعیت‌های منحصر به فرد دانست، چرا که در این صورت مقتضی انطباق با آن موقعیت‌هاست و آن را از این رو "نسبی" خواهد ساخت. بلکه اخلاق قانونی بنیادی است و از این رو می‌تواند ما را در اوضاع و احوال مختلف هدایت کند. بنابراین، باید بین قانون اخلاقی فی‌نفسه و کاربردهای آن تمییز قائل شویم، یعنی این ادعا که «اخلاق نسبی است» غالباً بر خلط بین این دو مطلب مبتنی است. (رویژک، ۱۳۸۸ش.).

نتیجه

بررسی چگونگی شکل‌گیری اخلاق در کودک از جمله مباحث پیچیده و بحث‌انگیزی است که رویکردها، مکاتب و دیدگاه‌های مختلفی را به چالش و درگیری عمیقی کشانده است. اخلاق دارای گذشته‌ای بس طولانی به قدمت روابط بین فردی بشر است اما از نقطه نظر علم کنونی مطالعه روان‌شناسی اخلاق تاریخچه‌ای بسیار کوتاه در حد نیم‌قرن را در برمی‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۹). روان‌شناسان، رشد اخلاقی را مشتمل بر سه عنصر اساسی می‌دانند: ۱. عنصر شناختی، ۲. عنصر رفتاری، ۳. عنصر عاطفی. با این وجود در زندگی واقعی و هنگام مواجهه کودک با یک تصمیم اخلاقی، هر سه عنصر غالباً هماهنگ با هم عمل می‌کنند (رهنما، بی‌ریا، مصباح، ۱۳۷۴ش).

مبانی تربیتی در آموزش‌های اخلاقی از جمله فصول مهم شکل‌گیری اخلاق در کودک به‌شمار می‌رود. اینکه کودک چه در سطح خانه و چه در سطح مدرسه و جامعه با چه روش‌هایی مفاهیم اخلاقی را فرا می‌گیرد، می‌تواند در شکل دادن رفتار اخلاقی او نقش عمده‌ای داشته‌باشد. (کریمی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۹).

اگرچه در بسیاری از نظریه‌های کلاسیک مانند نظریه کولبرگ در مورد رشد اخلاقی خصوصاً استدلال اخلاقی بر فرآیندهای شناختی تأکید کرده‌اند، اما اکنون بسیاری از متخصصان اذعان دارند که روابط عاطفی با اعضای خانواده برای رشد رفتارها و ادراکات اخلاقی، امری محوری است (کیلن، اسمتنا، ج ۲، ۱۳۸۹ ش، ص ۵۵۹).

پیاژه و کولبرگ و سایر روان‌شناسان شناختی نقش والدین و شیوه فرزندپروری در چگونگی رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان را در اولویت توجه خود قرار نداده‌اند. همین نکته مهم‌ترین ضعف نظریه کولبرگ است. ضعف دیگر

این است که رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان صرفاً بر اساس قضاوت اخلاقی و یادگیری قوانین و مناسبات اجتماعی زندگی در کشورهای غربی مورد توجه قرار گرفته و به بنیان های "غیرشناختی" و "انگیزشی" در اخلاق توجهی نشده است (لطف آبادی، ۱۳۸۴ش، ص ۷۶-۱۰۴ و ۱۳۸۰ش، ص ۹۶-۶۱).

استفاده کولبرگ از نظریه مرحله‌ای برای حل مسائل فلسفی و اصرار او مبنی بر اینکه نظریه فلسفه اخلاقی بخشی از مفهوم‌سازی مراحل اخلاقی است، تأملات پرباری را در زمینه فلسفه اخلاق و فلسفه مطرح کرده است. در واقع محل تردید است که آیا داده‌های روان‌شناختی می‌توانند مسائل فلسفی را حل کنند یا خیر (کیلن، اسمتانا، ج ۱، ۱۳۸۹ش، ص ۱۸۰).

مهمترین نقدها به نظریه رشد اخلاقی کولبرگ این است که رویکرد کولبرگ به اندازه کافی ماهیت چندبعدی^{۵۱} و چندآوایی^{۵۲} حوزه اخلاق را به رسمیت نمی‌شناسد. گیلیگان^{۵۳} در این مورد معتقد است که نظریه‌های کلاسیک رشد اخلاقی، یعنی نظریه فروید (۱۹۲۳-۱۹۶۰)، پیازه (۱۹۳۲-۱۹۶۵) و مهمتر از همه کولبرگ از آنجا که به صورت نظام‌مند تجارب دختران و زنان را از مطالعات بنیادی خود کنار گذاشته‌اند، دچار خبط و نقصان شده‌اند (کیلن، اسمتانا، ج ۲، ۱۳۸۹ش، ص ۵۹۶).

دیدگاه نظری کولبرگ در مورد تفاوت‌های جنسیتی در رشد اخلاقی به نحو قابل ملاحظه‌ای با دیدگاه گیلیگان متفاوت است. رویکرد او نه تفاوت‌های جنسیتی در مسیر رشد یا آهنگ رشد را پیش‌بینی می‌کند و نه مستلزم آن است. الگوی رشد اخلاقی کولبرگ کاملاً شناخته شده است. کولبرگ ادعا می‌کرد که ترتیب مراحل، ثابت و جهانی است، اما تفاوت در آهنگ و نقطه نهایی رشد تابعی از مواجهه با تجارب اجتماعی نابرابر^{۵۴} است (کیلن، اسمتانا، ج ۱، ۱۳۸۹ش، ص ۱۹۸).

انتقاد دیگر این است که نظریه کولبرگ به تفکر اخلاقی می‌پردازد در حالی که بین دانستن این که چه کار باید بکنیم و اعمال واقعی ما، اختلاف زیادی وجود دارد. نظریه کولبرگ بر مفهوم «عدالت» (در معنای غربی) به هنگام تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، تأکید بیش از اندازه‌ای دارد. در حالی که عوامل دیگر نظیر دلسوزی، ترحم، مواظبت و سایر احساسات میان فردی می‌توانند سهم مهمی در استدلال اخلاقی دارند. نظریه کولبرگ تأکید بیش از اندازه‌ای بر فلسفه غربی دارد و فرهنگ‌های شرقی را به حساب نیاورده است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴ و ۱۳۸۰ ش، ص ۶۱-۹۶).

هرچند کولبرگ این ادعا را مطرح می‌نماید که اهتمام دینی، ماهیتاً عرفی است تا اخلاقی، ولی در مجموع، تحقیقات موجود نشان می‌دهند مسائل معنوی بر استدلال‌های اخلاقی تأثیر می‌گذارند و این تأثیر یا به نحو غیرمستقیم و از طریق پیش‌فرض‌های معرفتی دنیای واقعی افراد است یا به صورت مستقیم و از طریق شکل دادن به یک اهتمام اخلاقی جایگزین به نظر می‌رسد اهتمام معنوی از طریق ابزار "ایمان"، یک منبع دانش اخلاقی و همچنین نوعی اهتمام اخلاقی را براساس ملاحظات از قبیل پاکی و تقدس به جای آسیب یا خوشبختی به‌وجود می‌آورد (کیلن، اسمتانا، ج ۲، ۱۳۸۹ ش، ص ۶۷۰).

بنیادهای نظری روان‌شناسی رشد اخلاقی که توسط پیاژه و کولبرگ ارائه شده است دچار محدودیت‌ها و ضعف‌های نظری است و آزمون‌های رشد اخلاقی مبتنی بر این دیدگاه‌ها اساساً بر پایه نگرش‌های زیست‌شناسی و شناخت‌شناسی ژنتیک، رفتارگرایی فردی و اجتماعی و نظریه پردازش اطلاعات و با درکی محدودنگر از تحول اخلاق آدمی، استوار شده است و حاصل دنباله روی از روان‌شناسی غربی است. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴). بنابراین می‌توان گفت که نظریات

روانشناسان غربی، از برخی جهات کاملاً متفاوت و حتی متضاد با وحی الهی و با درک و فهم عرفا و حکمای اسلامی از جوانب روحانی وجود و اخلاق آدمی است. این نظریات، به تمامیت رشد اخلاقی آدمی توجهی ندارند و یا چنان متمرکز بر سطوح پایین تحول اخلاق آدمی هستند که سطوح متعالی روحانی و عقلانی در اخلاق را نادیده می‌گیرند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴ و ۱۳۸۰ ش، ص ۹۶-۶۱).

مشکل اساسی در نظریه‌های شناختی روان‌شناسی رشد اخلاقی (پیاژه و کولبرگ و امثال آن‌ها) این است که رفتار اخلاقی را فقط با "چگونگی تفکر" و "قضاوت اخلاقی" فرد مربوط کرده و جوانب مهم دیگری را نادیده گرفته یا کم اهمیت شمرده‌اند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰ ش، ص ۹۶-۶۱).

دیدگاه پیاژه و کولبرگ که التزام به قوانین اجتماعی و عدالت در مفهوم غربی آن را به‌عنوان اصل پایه‌ای رشد اخلاقی برشمرده و آزمون‌های خود را بر اساس آن ساخته‌اند در حالی که باورهای اصیل دینی و اصول کلاسیک اخلاقی جایگاهی در زندگی اکثر غربیان ندارد. به‌همین دلیل است که استدلال اخلاقی اقلیت بسیار کوچکی از مردم به مرحله اول اخلاق فوق قراردادی می‌رسد و اکثریت قریب به‌اتفاق مردم، حتی در پاسخ به سؤالات آزمون‌های قضاوت اخلاقی، که خود فاصله عظیمی با رفتار اخلاقی دارد، از سطح سوم و چهارم مراحل اخلاقی کولبرگ بالاتر نمی‌روند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴ و ۱۳۸۰ ش، ص ۹۶-۶۱).

کولبرگ مرحله ششم اخلاقی (یعنی اصول جهانی اخلاقی) را از آخرین تجدید نظر آزمون خود به‌کلی حذف کرده و فقط از اهمیت تئوریک آن صحبت کرده‌است. برخلاف کمبودهای رشد اخلاقی در جوامع غربی که ناشی از نوع اجتماعی‌شدن مردم آن کشورها است، چگونگی اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان و جوانان در کشورهای نظیر کشور ما اساساً مبتنی بر سنن فرهنگی و

دینی و اخلاق کلاسیک است و اکثریت مردم، با وجود کمبودهای گوناگون، به اصول انتزاعی اخلاقی (نظیر کمال‌جویی، عدالت، محبت، مروت و شجاعت) وفاداری نشان می‌دهند (لطف آبادی، ۱۳۸۴ ش.، ص ۷۶-۱۰۴ و ۱۳۸۰ ش.، ص ۹۶-۶۱).

علاوه بر اشکالات فلسفی مهمی که بر نظریه رشد اخلاقی کولبرگ وارد است، دیدگاه وی نمی‌تواند جواب‌گوی مسائل اساسی انگیزشی مربوط به رفتار اخلاقی باشد. دیدگاه کولبرگ کمتر به عوامل غیرشناختی توجه دارد. بدون تردید احساسات، اراده یا قدرت تصمیم‌گیری و احتمالاً خلق و خو، در انجام رفتار اخلاقی و حتی شاید در تصمیم‌گیری نیز نقش داشته باشد. ضمناً کولبرگ بدون دلیل دامنه اخلاق و تربیت اخلاقی را محدود می‌کند (لطف آبادی، ۱۳۸۴ ش.، ص ۷۶-۱۰۴) (الرود، ۱۳۸۱ ش.، ص ۸۵-۷۱).

محدودیت‌های اساسی نظریه شناختی در رشد اخلاقی عبارتند از: (لطف آبادی، ۱۳۸۴ ش.، ص ۷۶-۱۰۴ و ۱۳۸۰ ش.، ص ۹۶-۶۱).

۱. "رفتار اخلاقی" فرد ممکن است کاملاً در جهت مخالف حرف‌ها و استدلال‌های او باشد. یعنی رشد استدلال شناختی الزاماً ارتباطی با رشد اخلاقی ندارد. البته بین قضاوت اخلاقی و رفتار کودکان خردسال و کم‌تجربه ارتباط محکم‌تری وجود دارد ولی هرچه سن آنان بالاتر می‌رود این ارتباط ممکن است تحت تأثیر عوامل گوناگون، به‌ویژه منافع شخصی در زندگی اجتماعی، ضعیف‌تر شود (لطف آبادی، ۱۳۸۴ ش.، ص ۷۶-۱۰۴).

۲. نظریه‌های پیازه و کولبرگ اگرچه برای فهم رشد استدلال اخلاقی مفید است اما بر وجدان و رفتار اخلاقی تأکید ندارند و شناخت واقعی از چگونگی عملکرد اخلاقی فرد به‌دست نمی‌دهد (لطف آبادی، ۱۳۸۴ ش.، ص ۷۶-۱۰۴).

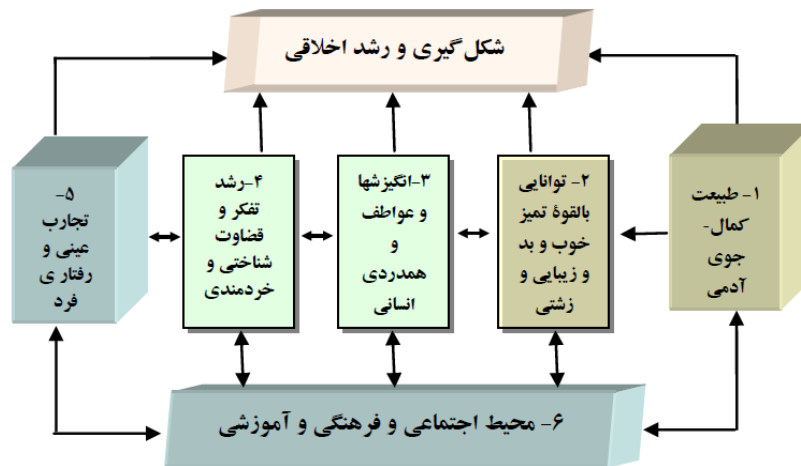
۳. در بسیاری از موارد، استدلال اخلاقی فرد سپری برای رفتارهای غیراخلاقی او است. به بیان دیگر، نوع معینی از استدلال می‌تواند یک "مکانیسم دفاعی" برای توجیه عمل غیراخلاقی باشد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴).
۴. "سوگیری فرهنگی" در نظریه‌های رشد اخلاقی پیازه و کولبرگ وجود دارد. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴). لذا با آزمون‌های تهیه شده برای فرهنگ غربی نمی‌توان سطح رشد اخلاقی در نوجوانان و جوانان و بزرگسالان فرهنگ‌های متفاوت را به درستی سنجید (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴).
۵. "تقدم و ترتیب اهمیت ارزش‌ها" در یک جامعه و فرهنگ نیز بر چگونگی رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان و جوانان عمیقاً تأثیر می‌گذارد (لطف‌آبادی، نوروزی، ۱۳۸۳ ش، ص ۵۸-۳۳ و ۱۶۰-۱۴۳).
۶. قضاوت اخلاقی مردم نه فقط ناشی از استدلال اخلاقی بلکه متأثر از "آداب و رسوم و قراردادهای عرفی اجتماعی" نیز هست. این قراردادهای اجتماعی که عموماً برای حفظ نظام اجتماعی و کنترل بی‌نظمی‌های رفتاری است، برخلاف قوانین اخلاقی که نوعی تعهد درونی است، ناشی از اجبارهای بیرونی است و عمل به آنها حالت اختیاری دارد و موجب احترام و نشانه‌آداب اجتماعی فرد است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴).
۷. در تحقیقات غربی درباره روان‌شناسی رشد اخلاق، "عدالت در مردان و مراقبت در زنان" به عنوان دو اصل اخلاقی پایه‌ای در استدلال اخلاقی شمرده شده است. ادراک عدالت در معنایی که مورد نظر غربیان است با "عدالت واقعی"، مثلاً در معنایی که در فرهنگ شیعی و ایرانی در ذهن وجود دارد، فاصله زیادی دارد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴).

علامه طباطبایی، مبانی تربیت اخلاقی در قرآن را توحید، فطرت، هدفدار بودن انسان، اختیار و قوه معرفت‌پذیری انسان می‌داند. البته مهمترین مبنا را "توحید" معرفی کرده است که سایر مبانی حول آن می‌چرخد. شناخت توحید، نگرش موحد را نسبت به خود و خداوند تغییر می‌دهد، نقص‌های او را یادآور شده و تنها رافع کمبودها و نیازها را خداوند می‌داند (کبیری، ۱۳۸۸ش، ص ۹۰-۶۷).

دکتر لطف‌آبادی و همکارانش در پژوهشی که انجام دادند، با نگرشی نو به رشد اخلاقی که متکی بر فلسفه خردگرایی علمی است، نشان داده‌اند که رشد اخلاقی حاصل تأثیر و تأثر متقابل و پیچیده و پویای سه سطح روانی - اجتماعی (شامل شش عامل) است. در سطح زیرین بنیادی، دو عامل ۱. طبیعت کمال‌جوی و مینوی آدمی و ۲. توانایی بالقوه تمیز خوب از بد و زشتی از زیبایی، در سطح میانی دو عامل ۳. انگیزش‌ها و رشد عواطف و همدردی انسانی و ۴. رشد تفکر و میزان خردمندی و در سطح بیرونی ۵. تجارب عینی و موقعیت رفتار اخلاقی و ۶. محیط اجتماعی و فرهنگی و آموزشی قرار دارند. (به تصویر مراجعه شود). همچنین ایشان بر اساس این مطالعه پرسشنامه و فرم مصاحبه با عنوان «آزمون لطف‌آبادی برای سنجش رشد اخلاقی کودکان» را طراحی نمودند. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۶-۱۰۴) (لطف‌آبادی، نوروزی، حجت‌زاده، حسینی، هداوندخانی، تبریزی، سالاری، قلخانی، عبدالمحمدی، جهانبخش اصلی، نظریه‌پردازی و آزمون‌سازی برای سنجش رشد اخلاقی کودکان، نوجوانان و جوانان، ص ۲۵۸-۲۳۱، قابل دستیابی از سایت

(www.Lotfabadi.com).

نمودار ۱- الگوی نظری شکل‌گیری رشد اخلاقی



تحلیل نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد قرآنی

قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب راهنمای بشر که بر آخرین مرسل نازل شده است، دربر دارنده بحث‌های عمیق اخلاقی است که در هیچ منبع دینی دیگری در جهان یافت نمی‌شود. در زمینه مباحث رشد اخلاقی از دیدگاه قرآن هرچند کتب ارزشمندی در منابع شیعی یافت می‌شود، اما مطالعات کمی در زمینه بررسی و نقد نظریه‌های نشأت گرفته از ذهن روان‌شناسان غربی با رویکرد قرآنی یا اسلامی انجام شده است. مسائل اخلاقی در هر زمان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده، ولی در عصر و زمان ما اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا از یک سو عوامل و انگیزه‌های فساد و انحراف در عصر ما از هر زمانی بیشتر است و از سوی دیگر گسترش تکنولوژی مانند ماهواره و اینترنت بر سرعت اشاعه فساد در مقیاس وسیع افزوده و همچنین به موازات علوم مفید، علوم شیطانی و راهکارهای وصول به مسائل غیرانسانی و غیراخلاقی نیز به مراتب گسترده‌تر از سابق شده است. در چنین شرایطی توجه به مسائل اخلاقی و علم اخلاق از هر زمانی ضروری‌تر به نظر می‌رسد. لذا لازم است اندیشمندان دلسوز و عالمان آگاه برای گسترش اخلاق در

دنیای امروز که اخلاق به خطر افتاده تا آن حد که بعضی آن را به کلی انکار کرده یا غیرضروری دانسته‌اند و بعضی دیگر هر کار و خصلتی که انسان را به خواسته‌اش برساند، اخلاق شمرده‌اند، تمام تلاش و کوشش خود را به کار گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۱۶-۱۵). همین‌طور است نظریه‌هایی که روان‌شناسان و اندیشمندان غربی در باب رشد اخلاقی ارایه نموده‌اند. باید روان‌شناسان و دانشمندان و اندیشمندان دلسوز مسلمان با انجام تحقیقات مبتنی بر منابع غنی اسلام و در رأس آنها کتاب وحی "قرآن کریم"، جوی را که اکنون وجود دارد بشکنند تا معلمان و دانشجویان و اساتید مسلمان به این موضوع نیز توجه نمایند که نظریه‌های برخاسته از ذهن و اندیشه دانشمندان غربی بخصوص در بحث "اخلاق" و "رشد اخلاقی" نمی‌تواند جوابگوی همه نیازهای جوامع اسلامی باشد. همان‌گونه که در ابتدای بحث نیز گفته شد، مطالعه رشد اخلاقی از دیدگاه قرآن و از دیدگاه مکتب اسلام نیازمند مطالعات گسترده و از ابعاد گوناگون می‌باشد و این مطالعه می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای ورود در این مبحث بسیار مهم و ضروری جامعه امروزی باشد.

تقدیر و تشکر

در انتها از راهنمایی‌ها و زحمات اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر حسین لطف‌آبادی و دکتر سیدمحمد رضا علاءالدین که در تهیه این مقاله نهایت همکاری را نمودند تقدیر و تشکر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. وَأَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ، قلم/ ۶۸، ۴.
۲. إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ، شعراء/ ۲۶، ۱۳۷.
۳. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، مسند الرضاع، ص ۱۳۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۶؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۳ و ۳۸۲.
۴. الله الذي خلقكم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفا و شبهه يخلق ما يشاء و هو العليم القدير، روم/ ۵۴.
۵. اِنِّي بَعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.
۶. إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.
۷. كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ.
۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِنْ ضَلَّ إِلَيْكُمْ، مائده/ ۱۰۵.
۹. ... وَهُوَ مَعَكُمْ ءَيْنَ مَا كُنْتُمْ...، حديد/ ۴.
۱۰. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَفَضَّلْنَاهُمْ ...، اسراء/ ۷۰.
۱۱. وَالَّذِينَ جَهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا، عنكبوت/ ۶۹، ۲۹.
۱۲. فَاسْتَغْفِرُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرْهُ، فصلت/ ۴۱، ۶.
۱۳. وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، ص/ ۳۸، ۲۶.
۱۴. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ، نور/ ۲۴، ۳۰.
۱۵. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، احزاب/ ۲۱، ۳۳.
۱۶. أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ، نساء/ ۴، ۵۴.
۱۷. وَلَا تَبْذِرُوا بَذِيرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ، اسراء/ ۱۷، ۲۶-۲۷.
۱۸. اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى، مائده/ ۵، ۸.
۱۹. وَإِذْ قُلْتُمْ فَأَعْدِلُوا وَكَانَ ذَا قُرْبَى، انعام/ ۶، ۱۵۲.
۲۰. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ، نحل/ ۱۶، ۹۰.
۲۱. إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، ابراهيم/ ۱۴، ۲۲.
۲۲. وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ، انعام/ ۶، ۱۵۱.
۲۳. وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا، مائده/ ۵، ۳۸.
۲۴. وَيَلْ لِلْمُطَفِّفِينَ، مطففين/ ۸۳، ۱.
۲۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ، مائده/ ۵، ۱. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا، نساء/ ۴، ۵۸.
۲۶. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ، حجرات/ ۴۹، ۱۰.

۲۷. وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، آل عمران/۳، ۱۳۴.
۲۸. و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ، نساء/۳۶، ۴.
۲۹. وَآتَمَرُوا بِبَيْنِكُمْ مِمَّا عَلَّمَكُمْ، طلاق/۶۵، ۶.
۳۰. وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ. نساء/۴، ۴.
۳۱. وَ لَاتَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ، انعام/۱۵۱، ۶.
۳۲. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَاتَفَرَّقُوا، آل عمران/۳، ۱۰۳.
۳۳. ... أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ، نساء/۴، ۵۹.
۳۴. وَ لَاتَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا، اعراف/۵۶، ۷.
۳۵. وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ، انفال/۸، ۶۰.
۳۶. وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا، اعراف/۷، ۱۷۲.
۳۷. وَ إِذْ قَالَ لِقَمْنٍ لِإِبْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَبْنَىٰ لِأَشْرِكٍ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ، لقمان/۱۳، ۳۱.
۳۸. قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ، توبه/۹، ۵۱.
۳۹. قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، انعام/۱۶۲، ۶.
۴۰. مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ، ق/۵۰، ۳۳.
۴۱. وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ، بقره/۱۶۵، ۲.
۴۲. فَأَرْزَلْنَاهَا الشَّيْطَانَ عَنْهَا فَأَخْرَجَ مِنْهَا مِمَّا كَانَ فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ، بقره/۲، ۳۶.
۴۳. إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، نحل/۱۶، ۹۹.
۴۴. إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ، نحل/۱۶، ۱۰۰.
۴۵. در این زمینه به آیات زیر توجه نمایید:
- وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي وَ نَحْشُرْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى، طه / ۱۲۴.
- وَ مَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ، زخرف / ۳۶.
- وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا، احزاب / ۳۵.
- فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ، بقره / ۱۵۲.
- وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ، اعراف / ۵۶.
- إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، نور / ۱۹.
- يُدْخِلْ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الطَّالِبِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، انسان / ۳۱.
- وَ يَشَرُّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، بقره / ۲۵.
- لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ، سباء / ۴.
- وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ، آل عمران / ۱۶۹.

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُخَشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، نور/ ۵۲.

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً، توبه، ۷۲.

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، اعراف، ۱۵۷.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَفْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ.... لَعَلَّكُمْ تَقْلِحُونَ، نور / ۳۱.

۴۶. در این زمینه به آیات زیر توجه نمایید:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، مومنون / ۱ تا ۵.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ، مومنون / ۱ تا ۳.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ؛ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ، احزاب / ۷۱، ۷۰.

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا، اسراء / ۲۷.

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، توبه/ ۲۰.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ،

تغابن / ۱۴.

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ، طلاق / ۲، ۳.

۴۷. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، نساء / ۱.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا، اعراف / ۱۸۹.

۴۸. محمد رسول الله و الذين معه اشداء علي الكفار رحماء بينهم، فتح / ۲۹.

۴۹. فطرت الله التي فطر الناس عليها.

۵۰. انها بعثت لاتهم مكارم الاخلاق.

51. multidimensional.
52. multivocal.
53. Gilligan.
54. disequilibrating.

فهرست منابع

- مکارم شیرازی. ناصر. (۱۳۸۹ش). اخلاق در قرآن. (سه جلدی). ج ۱. چاپ دوم. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب^(ع). ص ۱۵، ۱۶، ۲۵-۲۴، ۳۹، ۱۰۵-۱۰۴، ۲۳۶-۲۳۰.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن.(۱۳۸۳ش). دایره المعارف قرآن کریم. (هشت جلدی). ج ۲. چاپ دوم. قم: موسسه بوستان کتاب قم.

Reinhart, KA.(2002). Ethics and the Quran. Encyclopedia of the Quran. vol [2]. Brill, Leiden –Boston. 55-79.

ثقه الاسلام. طاهره؛ رضایی. امیدوار؛ خوشکار. علی؛ موسوی. مریم السادات. (۱۳۸۷ش.). رشد اخلاق در انسان از دیدگاه دانشمندان اسلامی و روانشناسان جدید. فصلنامه اخلاق پزشکی. شماره سوم. ۱۴۱ تا ۱۵۵.

کریمی. یوسف. (۱۳۷۵ش.). روانشناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: ارسباران. علامه طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۰ش.). تفسیر المیزان. (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی). (بیست جلدی). ج ۱. ۵۵۸ و ۳۵۵ تا ۳۶۰.

جهانگیرزاده، محمدرضا. (۱۳۹۰ش.). دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی. فصلنامه معرفت اخلاقی. شماره چهارم. ۱۰۱-۱۲۲.

سیف، سوسن؛ کدیور، جمیله؛ و همکاران (جمعی از مولفان). (۱۳۹۰ش.). روانشناسی رشد. (دو جلدی). ج ۱. چاپ بیست و دوم. تهران: انتشارات سمت. ۲۲۴.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۴ش.). نقد نظریه‌های رشد اخلاقی پیازه و گولبرگ و باندورا و ارائه الگویی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ایران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۱۱. ۷۶ تا ۱۰۴. قابل دسترسی از سایت www.Lotfabadi.com.

Santrock, J. W. (2001). Child development. 6th Edition. Toronto: McGrawHill.

Grusec, J. E., Kuczynski, L. E. (Eds.). (1997). Parenting and children's internationalization of values: A handbook of contemporary theory. New York: John wiley & Sons.

Shaffer, David R. (1996). Developmental psychology: Childhood and adolescence. Fourth Edition. Boston: Brooks/Cole.

Piaget, Jean (1932). The moral judgement of the child. New York: Harcourt.

Crain, W.C. (1985). Theories of Development: Concepts and Applications. Prentice-Hall. 118-136.

Kohlberg, L. (1958). The development of modes of moral thinking and choice in the years 10 to 16. Unpublished doctoral dissertation, University of Chicago.

Kohlberg, L. (1969). Stage and sequence: The cognitive-developmental approach to socialization theory and research. Chicago: Rand McNally.

Kohlberg, L, Gilligan, C. (1971). The adolescent as a philosopher: The discovery of the self in a post-conventional world. Daedalus.100.1051-1086.

Kohlberg, L. (1976). Moral stages and moralization: The cognitivedevelopmental approach. In T. Lickona (Ed.), Moral development and behavior. New York: Holt, Rinehart & Winston.

Kohlberg, L. (1981). The philosophy of moral development. New York: Harper & Row.

Kohlberg, L. (1986). A current statement on some theoretical issues. In S. Modgil & C. Modgil (Eds.), Lawrence Kohlberg. Philadelphia: Falmer.

- کیلن، ملانی؛ اسمتانا، جودیت. (۱۳۸۹ش.). رشد اخلاقی. (ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده قمی و علیرضا شیخ شعاعی و سیدرحیم راستی تبار). (دو جلدی). ج ۱. چاپ اول. قم: مرکز اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۷۰ و ۷۲ و ۱۴۸ و ۱۰۶ و ۱۸۰.
- Kohlberg, L., & Hersh, R. H. (1977). Moral development: A review of the theory. *Theory Into Practice*, 16(2), 53-59.
- میرلو، محمد مهدی. (۱۳۸۷ش.). مقاله فیلسوفان کوچک اخلاق. سایت جام جم.
- ثقه الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۴ش.). اصول کافی. (ترجمه و شرح فارسی محمداقبر کمره‌ای). (۶ جلدی). جلد ۳. ۶۶.
- حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب^(ع). (۱۳۸۹ش.). نهج البلاغه. (ترجمه مرحوم محمد دشتی). دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ دوازدهم. قم: انتشارات اشکذر. نامه ۳۱. ۳۶۸ تا ۳۸۳. نامه ۵۳. ۴۰۲ تا ۴۲۱.
- حجازی، فخرالدین. (۱۳۴۰ش.). چهاربنیان. تهران: انتشارات بعثت. ۳۹.
- صادقی، سیدمحمد. (۱۳۵۷ش.). پرتوی از انوار نهج البلاغه. چاپ اول. تهران: نشر زیتون. ۱۸۹.
- شیخ شعاعی، علی‌رضا. (۱۳۸۷ش.). نگاهی به کتاب نظریه‌های سکولار و مذهبی در رشد اخلاقی. فصلنامه روان‌شناسی در تعامل با دین. شماره دوم. ۱۶۵ تا ۱۷۶.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۰ش.). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات مدرسه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹ش.). اخلاق در قرآن. (سه جلدی). ج ۲. چاپ دوم. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب^(ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹ش.). اخلاق در قرآن. (سه جلدی). ج ۳. چاپ دوم. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب^(ع). ۲۳.
- علامه طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۰ش.). تفسیر المیزان. (ترجمه محمداقبر موسوی همدانی). (بیست جلدی). ج ۱۸. ۱۷۲.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش.). مبادی اخلاق در قرآن. چاپ هفتم. قم: مرکز نشر اسراء. ۱۱۹ و ۲۳۹.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰ش.). مراحل اخلاق در قرآن. چاپ یازدهم. قم: مرکز نشر اسراء. ۳۴۴.
- سجادی، سید ابراهیم. (۱۳۷۸ش.). شهید مطهری و دیدگاه‌های تربیتی قرآن. پژوهشهای قرآنی. شماره ۱۷ و ۱۸. ۷۴ تا ۱۱۷.
- کوشا، غلام حیدر. (۱۳۸۹ش.). نقش دین در تثبیت پایگاه‌های اخلاق. معرفت اخلاقی. شماره اول. ۲۳ تا ۴۴.
- علاءالدین، سیدمحمدرضا. (۱۳۸۹ش.). قرآن روانشناسی و علوم تربیتی نقش دین در احیاء تثبیت و رشد اخلاق از منظر قرآن. فصلنامه کوثر. شماره ۳۴. ۶۳ تا ۶۹.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. ذیل واژه انگیزه

- حسینی، سید اکبر. (۱۳۸۳ش.). واقع گرایی اخلاقی در نیمه قرن بیستم. قم. ۴۰.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰ش.). بیست گفتار. چاپ هفتم. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲ش.). فلسفه اخلاق. چاپ یازدهم. قم: صدرا. ۱۹۴ تا ۱۹۵.
- سیف، سوسن و دیگران. (۱۳۷۷ش.). روان شناسی رشد. (دو جلدی). ج ۱. چاپ هشتم. تهران: سمت. ۱۲۰ تا ۱۲۲.
- آقاتهرانی، مرتضی؛ ساجدی، ابوالفضل؛ بی‌ریا، ناصر؛ زارعان، محمدجواد؛ مصباح، علی؛ رهنما، سیداحمد؛ و همکاران. (۱۳۹۰ش.). روان شناسی رشد: با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت. ۱۱۰۴.
- رویژک، پل. (۱۳۸۸ش.). اخلاق نسبی است یا مطلق (۱). (ترجمه سعید عدالت نژاد). مجله نقد و نظر. شماره ۱۳.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۰ش.). مراحل شکل گیری اخلاق در کودک (با تأکید بر رویکردهای تحولی). چاپ سوم. تهران: عابد. ۱۹۹.
- رهنما، سیداحمد؛ بی‌ریا، ناصر؛ مصباح، علی. (۱۳۷۴ش.). روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. (دو جلدی). ج ۲. چاپ اول. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. تهران: سمت.
- کیلن، ملانی؛ اسمتنا، جودیت. (۱۳۸۹ش.). رشد اخلاقی. (ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده قمی و علیرضا شیخ شعاعی و سیدرحیم راستی تبار). (دو جلدی). ج ۲. چاپ اول. قم: مرکز اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۵۵۹ و ۵۹۶ و ۶۷۰.
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۰ش.). روان شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی قسمت اول. حوزه و دانشگاه. شماره ۲۹. ۶۱ تا ۹۶. قابل دستیابی از سایت www.Lotfabadi.com.
- الرود، فردریک ای. (۱۳۸۱ش.). فلسفه های معاصر تربیت اخلاقی. (ترجمه حسین کارآمد). ماهنامه معرفت. شماره ۶۱. ۷۱ تا ۸۵.
- لطف آبادی، حسین. نوروزی. وحیده. (۱۳۸۳ش.). نظریه پردازی و مقیاس سازی برای سنجش نظام ارزشی دانش آموزان نوجوان ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی نوآوری های آموزشی. شماره ۷. ۳۳ تا ۵۸ و ۱۴۳ تا ۱۶۰.
- کبیری، زینب؛ معلمی، حسن. (۱۳۸۸ش.). مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی. معرفت اخلاقی. شماره اول. ۶۷ تا ۹۰.
- لطف آبادی، حسین؛ نوروزی، وحیده؛ حجت زاده، فرحناز؛ حسینی، نرگس؛ هداوندخانی، فاطمه؛ تبریزی، سمیرا؛ سالاری، هاجر؛ قلخانی، زری؛ عبدالمحمدی، کبری؛ جهان بخش اصلی، نکیسا. نظریه پردازی و آزمون سازی برای سنجش رشد اخلاقی کودکان. نوجوانان و جوانان. ۲۳۱ تا ۲۵۸. قابل دستیابی از سایت <http://lotfabadi.net/2-Theory-making-And-Evaluation-Development-for-Assessment-of-Moral-Development.pdf>

یادداشت شناسه مؤلفان

فاطمه جاویدان: دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. کارشناس معاونت آموزشی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

نشانی الکترونیک: drfjavidan@sbmu.ac.ir

محمدصادق دهقان: دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. کارشناس معاونت آموزشی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ایران.

احسان شمسی گوشکی: دانشجوی دکترای تخصصی اخلاق پزشکی، گروه اخلاق پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمود عباسی: رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران و عضو گروه اخلاق زیستی فرهنگستان علوم پزشکی.

نشانی الکترونیک: Dr.abbasi@sbmu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۸/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۲